

## یاران امامان

۱۱

شناخته شده نزد ائمه و بزرگان و علما و بسیاری از روایتهای معروف را از امامان علیهم السلام نقل کرده است و تمام علمای رجال او را توثیق نموده‌اند و به جلالت و عظمت و شخصیت ارزشمند او اعتراف دارند. حتی برخی از علمای اهل سنت نیز از او روایت نقل کرده و به صدق و امانتش اعتراف دارند. و اما این نام شریف نه تنها نزد عالمان که نزد عوام نیز معروف و مشهور است و چه کسی است که «دعای ابوحمزه» را نخوانده یا لااقل نشنیده باشد؟ و این دعائی است شریف که در سحرهای ماه مبارک رمضان می‌خوانند و هر وقت بخوانند خوب است، و مضامین عالیه‌اش دلالت دارد بر اینکه بی‌گمان از امام معصوم سلام الله علیه وارد شده است. این دعا را امام سجاد علیه السلام به ابوحمزه یاد داد و ابوحمزه آن را برای شیعیان نقل کرد تا هم این دعا جاودانه بماند و هم نام نامی راویش، درود بی‌پایان خدا بر او و دیگر یاران صدیق امامان باد.

ابوحمزه ثمالی، نامش «ثابت بن دینار» کنیه‌اش ابوحمزه و کنیه پدرش ابوصفیه، و ثمالی از این جهت به او گویند که نسبش میرسد به شخصی به نام «ثماله بن اسلم بن کعب» که از قبیله «ازد» بوده است و لذا به او «ازدی» نیز می‌گویند.

نجاشی به نقل از محمد بن عمر جعایی گوید: او دارای سه فرزند بود به نامهای: نوح، منصور و حمزه که هر سه همراه با زید بن علی بن الحسین (ع) به شهادت رسیدند. نجاشی همچنین در باره‌اش می‌گوید: او از بهترین یاران امامان و مردان موثق بود که در روایت به قول او اعتماد می‌کنند. ابوحمزه در کوفه می‌زیسته و از

# ابوحمزه

## ثمالی

سید محمد جواد مهری

امام سجاد و امام باقر و امام صادق و مقداری از دوران امام کاظم، صلوات و درود خدا بر آنان باد.

گرچه در زنده ماندن ابوحمزه تا زمان امام هفتم علیه السلام، نزد بزرگان اختلاف است ولی این روایت، دلیل است بر اینکه ابوحمزه در زمان امام موسی بن جعفر (ع) نیز بوده است.

### ابوحمزه ثمالی کیست؟

در هر صورت، ابوحمزه چهره‌ای است

«ابوحمزه در زمانش مانند سلمان است در آن زمان»

امام صادق علیه السلام با این تشبیه زیبا - بر اساس این نقل - ابوحمزه ثمالی را مانند جناب سلمان فارسی، یار باوفای پیامبر بزرگ اسلام «ص» و امیر المؤمنین علیه السلام معرفی می‌کند. سلمان همان کسی است که پیامبر صلی الله علیه و آله در باره‌اش فرمود: «ان سلمان منا اهل البيت» سلمان از ما اهل بیت است و بی تردید این بالاترین فضیلت سلمان است که پیامبر «ص» او را نه تنها از اصحاب و یاران خود بلکه از اهل بیت و خاندان والای خودش می‌داند و شاید چنین سخن بزرگی در باره هیچ یک از اصحاب خویش نفرموده باشد. پس وقتی امام صادق علیه السلام ابوحمزه را تشبیه به سلمان می‌نماید، به این معنی است که او را از نزدیکترین افراد به خاندان عصمت و طهارت علیهم السلام می‌داند، و این سخن والا دلیل بر این است که ابوحمزه، احترام مخصوصی نزد امامان ما داشته و مورد اطمینان آنان بوده است. و شاید وجه تشبیه دیگر همین باشد که ابوحمزه مانند سلمان، مردی حکیم و دانشمند بوده و در علم تفسیر قرآن و حدیث، کتاب نگاشته است. و از این روی می‌بینیم در روایتی دیگر از امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«ابوحمزة الثمالی فی زمانه کلکمان فی زمانه وذلك انه خدم اربعة منا علی بن الحسین و محمد بن علی و جعفر بن محمد و برهة من عصر موسی بن جعفر صلوات الله علیهم»

ابوحمزه ثمالی در دوران خود مانند لقمان است در آن زمان چرا که او به چهار نفر از ما (چهار امام) خدمت کرده است:

مراجع شیعیان به شمار می آمده است و نزد امامان احترام فوق العاده ای داشته و در سال ۱۵۰ هجری از دنیا رفته است.

شیخ صدوق گوید: «ابوحمزه ثابت بن دینار... ثقة عدل، قدلقی اربعة من الأئمة علي بن الحسين ومحمد بن علي وجعفر بن محمد وموسى بن جعفر عليهم السلام». ابوحمزه ثقة و عادل است، او چهار امام را ملاقات کرده است: امام سجاد و امام باقر و امام صادق و امام کاظم عليهم السلام

کشی از ابوحمزه نقل می کند که گفت: روزی دختر کوچکم به زمین خورد و دستش شکست. او را نزد شکسته بند بردم، تا بدمتش نگاه کرد، گفت: شکسته است و باید فوراً مداوا شود. هنگامی که مشغول به کارش شد، در اثر درد شدیدی که بچه احساس می کرد، ناله و فریادش بلند بود. من دلم شکست، گریه کردم و برای دخترکم دعا کردم. ناگهان شکسته بند دست بچه را گرفته، بیرون آمد و با تعجب هرچه به دست بچه نگاه می کرد، اثری از شکستگی نمی دید. آنگاه رو به من کرده گفت: دست بچه ات هیچ نقصی ندارد و سالم است. من این داستان را برای امام صادق علیه السلام نقل کردم فرمود: «دعای تو با رضایت حق تعالی همراه شد و در کمتر از چشم بهم زدن دعایت مستجاب شد».

### از مؤلفین اصحاب

ابوحمزه از خواص اصحاب بوده است و گذشته از روایتهای زیادی که نقل کرده، خود دارای تألیفات و نوشتجات زیادی است. ابن الندیم در فهرست گوید: او از مردان بزرگ و ثقة بوده است و کتابی به نام «تفسیر ابی حمزه الثمالی» در تفسیر قرآن

نگاشته است.

یکی از روایتهائی که ابوحمزه از امام سجاد نقل می کند، در آن می گوید: «صحیفه ای بدست آوردم که در آن سخنان امام زین العابدین (ع) در رابطه با زهد در دنیا و پند و اندرز به مردم بود. فوراً آن را استنساخ کردم و برای اطمینان خاطر نزد حضرت بردم تا اگر اشتباهی در نقل صحیفه وجود دارد رفع نماید. حضرت آن را از من گرفت و تصحیح کرد، سپس به من بازگردانید» از این روایت، دقت و احتیاط و اتقان در نقل حدیث، از ایشان کاملاً روشن می شود و لذا متن دعای ابوحمزه را می توان یکی از معتبرترین دعاها دانست.

نجاشی کتاب النوادر را از جمله کتابهای ابوحمزه دانسته و رساله الحقوق امام زین العابدین علیه السلام را هم به او نسبت داده است، گویا این رساله را که امام سجاد علیه السلام به اصحابش نوشته، توسط ایشان به آنها رسیده است.

شیخ طوسی در فهرست خود، کتاب «النوادر» را به تألیفات او افزوده است. ابویصیر گوید: بنابر امام صادق علیه السلام وارد شدم: از من احوال ابوحمزه ثمالی را پرسید. عرض کردم: او بیمار بود، حضرت فرمود: هنگامی که بازگشتی سلام مرا به او برسان و به او خبر ده که در فلان روز و فلان ماه از دنیا خواهد رفت.

ابویصیر گوید: عرض کردم: قربانت گردم، او به شما علاقه زیادی دارد و از شیعیان شما است. حضرت فرمود: آری! راست می گویی و آنچه نزد ما است برای او بهتر است. آنگاه عرض کردم: آیا شیعیان شما با

شما خواهند بود؟

فرمود: آری! آن شیعه ای که از خدا بترسد و به سخنان پیامبر (ص) عمل کند و از گناهان اجتناب نماید، همراه ما و در درجه ما خواهد بود.

### دورایت از ابوحمزه:

«عن ابی حمزة الثمالی، قال: سمعت علی بن الحسین (ع) یقول: «من عمل بما افترض الله علیه فهو من خیر الناس ومن اجتنب ما حرم الله علیه فهو من اعبد الناس ومن اویع الناس ومن قنع بما قسم الله له فهو من أغنی الناس».

(امالی مفید - ص ۱۸۵)

ابوحمزه گوید: شنیدم امام سجاد علیه السلام می فرمود: هرکس به آنچه خدا بر او واجب کرده، عمل نماید، پس او از بهترین مردم است و هرکس آنچه را خداوند بر او حرام کرده از آن اجتناب ورزد، پس او از پارساترین و پرهیزکارترین مردم است و هرکس به آنچه خداوند برای او مقرر کرده، قانع شود، پس او از بی نیازترین مردم است. ابوحمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «بني الاسلام علی خمس: علی الصلاة والزكاة والصوم والحج والولاية ولم یناد بشی کما نودی بالولاية»

(کافی - ج ۲ - ص ۱۸)

اسلام بر پنج رکن استوار گردیده: بر نماز و زکات و روزه و حج و ولایت و به چیزی مانند ولایت اهمیت داده نشده است.

### منابع:

رجال کشی - فهرست شیخ طوسی - فهرست ابن الندیم - وسائل الشیعه - معجم رجال الحدیث - اعیان الشیعه - جامع الرواة - امالی مفید